

چکیده

خداوند متعال خالق و آفریننده هستی به ویژه انسان است. انسان به جهت داشتن عقل و اختیار با دیگر مخلوقات خداوند سبحان متفاوت است. لذا خداوند به واسطه همین تمایز وی را با قابلیت‌ها و گرایش‌های گوناگون آفرید. نحوه‌ی استفاده از این گرایش‌ها سرنوشت آدمی را رقم می‌زند و باعث سعادت یا ضلالت او می‌شود. در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی، اقسام و مصادیق گرایش‌ها در دو دسته کلی بقاء‌طلبی و کمال‌طلبی بررسی خواهد شد. بررسی و تبیین آیات بیانگر این حقیقت است که خداوند متعال در کتاب ارزشمند الهی ضمن آیات و داستان‌ها به طور مجمل و مفصل گرایش‌هایی که باعث عاقبت‌بخیری و سعادت یا به به عکس موجب ضلالت و گمراهی بشر می‌شود را حکایت می‌فرماید.

کلید واژه: گرایش بقاء‌طلبی، تمایل، گرایش کمال‌جویی، انسان، قرآن و گرایش.

۱. مقدمه

هدف قرآن کریم هدایت و جهت‌دهی انسان به سوی سعادت ابدی است. لذا برای نیل به این هدف، در ضمن آیات به منظور تسهیل در امر هدایت، ارشاد و تربیت انسان‌ها به گرایش‌های انسان اشاره کرده است. با دقت در آیات نورانی قرآن کریم گرایش‌های انسان به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود که برخی را به صورت صریح و در اکثر موارد به صورت ضمنی مطرح می‌نماید. گرایش به مادیات از گرایش‌های طبیعی هر انسانی است و خداوند در کتاب هدایت به او آموزش می‌دهد که از راهنمایی وحی و عقل بهره بگیرد و گرایش به مادیات را به خدمت خویش درآورد و گرایش‌های معنوی را در خود پرورش دهد تا به سعادت و قرب الهی نائل شود. اما در عصر کنونی با صنعتی شدن جهان و حرکت بشر به سمت و سوی نظام سرمایه داری متأسفانه گرایش‌های انسان هم، بیشتر به سمت کسب لذت و جلب منفعت حرکت کرده و از فقدان گرایش به معنویات و اخلاقیات انسانی رنج می‌برد؛ از همین رو بر انسان لازم و ضروری است که شناخت دقیق نسبت به گرایش‌ها پیدا کند تا بتواند در صورت تزامم بین دو گرایش، آنها را مدیریت نماید؛ چراکه هر کدام از این گرایش‌ها موجب ایجاد، تقویت یا ضعف و نقصان دیگر گرایش‌ها

^۱ - مریم پدیدار، فارغ التحصیل سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآنی، مرکز مدیریت غیر حضوری

می‌شوند. لذا قرآن که کتاب روشنگری و هدایت است در ضمن آیات به انسان کمک می‌نماید تا برای رسیدن به تکامل، این گرایش‌ها را بشناسد و با علم به تأثیر و تأثر بین آنها بتواند در زمان مقتضی از هر کدام به بهترین نحو استفاده کند و نگذارد یکی از انواع این گرایش‌ها با غلبه نادرست و بی‌جا بر دیگر گرایش‌ها، او را از مسیر تکامل دور کرده و به ورطه هلاکت بکشاند. به همین جهت می‌بایست گرایش‌ها را به نحو دقیق شناخت تا بتوان در زمان مقتضی از آن به بهترین نحو استفاده نمود.

بررسی اجمالی پیشینه موضوع نشان می‌دهد آثاری در این زمینه وجود دارند کمتر به ذکر مصادیق و استخراج آیات مربوطه پرداخته‌اند؛ اما آثاری که به عنوان پیشینه این پژوهش به شمار می‌آیند به شرح ذیل است: کتاب اخلاق در قرآن ج ۲ اثر علامه مصباح یزدی مباحثی در زمینه‌ی "اخلاق فردی" با استناد به آیات قرآن تحت عناوین مفهوم رابطه‌ی انسان با خویش، انگیزه‌های اصلی نفس مانند بیداری از غفلت و توجه به حقیقت و سعادت‌خواهی مطرح گردیده است اما مصادیق این انگیزه‌ها در قرآن بیان نشده است؛ همچنین ایشان در کتاب معارف قرآن جلد سوم مباحث مربوط به انسان‌شناسی و تبیین مسأله آفرینش انسان با اشاره به منشأ آفرینش و مراحل آن در قرآن، و پاسخ به شبهاتی درباره آن پرداخته است و مباحث مربوط به گرایش‌ها و ویژگی‌های انسان را اجمالاً بررسی می‌نماید. کتاب روانشناسی در قرآن نویسنده اثر محمد کاویانی؛ این کتاب به بررسی مبانی روان‌شناختی قرآن کریم و مباحث مربوط به انسان‌شناسی پرداخته و نویسنده در فصل چهارم تحت عنوان انگیزش در قرآن، با نگاهی کلی به گرایش‌های انسان، به ذکر پاره‌ای از آیات مرتبط بدون ارائه تبیینی از دلالت آنها بسنده کرده است. مقاله بررسی ویژگی‌ها و ابعاد فطرت از نگاه قرآن اثر احمد شهابی، نکات عمومی درباره فطرت، اعم از ذاتی و اکتسابی بودن را بیان می‌کند؛ افزون بر این برخی آیات مربوط به گرایش‌های فطری به نحو اجمالی بررسی شده است. بیان و ذکر مصادیق این نوع گرایش‌ها مدّ نظر نگارندگان نبوده است؛ لذا در این پژوهش سعی بر آن است که علاوه بر ذکر گرایش‌ها مصادیق آنها نیز با استناد به آیات قرآن کریم با روش توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر تفاسیر بیان شود.

۱. مفهوم شناسی

«گرایش» واژه‌ای فارسی و اسم مصدر از ریشه «گرویدن» است. از نظر دهخدا این واژه را می‌توان با واژه «تمایل» و «رغبت» در زبان عربی برابر دانست. از همین رو «گرایش»، رغبت و میل انسان به چیزی معنا

می‌شود.^۱ همچنین بر اساس بررسی‌های صورت گرفته تنها تعریف اصطلاحی که از گرایش بیان شده بر مبنای نظر فلاسفه‌ای نظیر ملاصدرا است چراکه از نظر ایشان گرایش یا تمایل پیدا کردن در دانش فلسفه، کششی درونی یا حالتی نفسانی است که باعث توجه و حرکت انسان به سمت چیزی می‌گردد. بنابراین واژه «گرایش» در فلسفه مساوی با واژه «شوق» می‌باشد.^۲

واژه «میل» در فارسی بکار برده می‌شود اما اصل و اساس آن، عربی است. این واژه در عربی هم به فتح میم و هم به کسر آن استعمال می‌شود و این اختلاف در اعراب، معنا را نیز متفاوت می‌کند. میل به کسر میم در عربی به معنای میله سرمه دان، و یا واحدی برای اندازه گیری مسافت آمده است.^۳ اصل واژه میل در عربی به فتح میم است. ابن فارس در بیان معنای این واژه می‌نویسد: این واژه بر انحراف در چیزی به یک طرف آن دلالت دارد. به مردی که بر روی اسب ثبات ندارد (به یک طرف کج می‌شود) آمیل گفته می‌شود.^۴ ابن منظور در بیان مفهوم این واژه می‌گوید: المِیلُ: العُدولُ إلى الشيء و الإقبالُ علیه. میل به معنای جهت‌گرفتن به سمت چیزی و روی آوردن به سوی آن است.^۵

علامه مصطفوی در التحقیق درباره این واژه می‌نویسد: اصل در مفهوم این واژه، مطلق انحراف به چیزی یا از چیزی، در حق یا باطل، در امر طبیعی یا غیر طبیعی است؛ از مصادیق این انحراف، بازگشتن از راه "المیل عن الطريق" و از حکم حق "المیل عن الحکم الحق" و از خلقت بواسطه وجود کجی در جسم، و خارج شدن از تناسب در دیوار و بنای ساختمان "المیل الحائط" و جمع شدن‌ها در جایی است "المیل الرمل".

از دیدگاه ایشان اگر میل با حرف «عَن» بیاید به معنای عدول و روگردانی است و اگر با حرف «إلى» بیاید معنای توجه کردن و روآوردن به سوی چیزی است و در آخر اگر مطلق بیاید معنای انحراف و میل می‌دهد.^۶

^۱ - علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۴، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۲۱۹۹۶؛ فرهنگ معین، ص ۲۴۵.

^۲ - محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج ۴، چاپ دوم، بی‌جا: مکتب المصطفوی، ۱۳۳۸ه.ش، ص ۷۸.

^۳ - ابوبکر محمد بن الحسن، ابن درید الأزدی، جمهرة اللغة، ج ۲، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷-۱۹۸۸م، ص ۹۸۸.

^۴ - احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۰.

^۵ - محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، محقق و مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۳۷.

^۶ - حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۳۸ه.ش، ص ۲۲۸.

واژه میل در فارسی اگرچه به کسر میم مشهور است ولی برگرفته از همان میل در عربی است. در فرهنگ عمید واژه میل به معنای خواست، رغبت، تمایل و برگردیدن، خمیدن، انحراف و یکسو شدن آمده است.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد معنا و مفهوم واژه میل افزون بر اینکه در فرهنگ عربی و فارسی تاحدودی نزدیک به یکدیگر است؛ با واژه گرایش در فرهنگ لغت فارسی نیز به یک معنا آمده است.

واژه دیگری که پیوند نزدیکی با واژه گرایش و میل دارد رغبت است. رغبت در معنای مصدری به معنای خواستن، میل داشتن و دوست داشتن و در معنای اسمی به معنای میل، اراده و آرزو آمده است.^۲ صاحب التحقيق اصل واحد در این ماده را میل اُکید می‌داند و فرق میل و رغبت و شوق را در شدت و ضعف کشش بیان می‌کند و می‌گوید: رغبت، میل اُکید و شوق، رغبت اُکید است که جامع بین این معانی تمایل است.^۳ در قرآن کریم ماده رغب هشت بار بکار رفته است که در برخی موارد با حرف عین بکار رفته که به معنای کناره گیری و روی گردانی است مانند: «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ».^۴ در مواردی که با «فی» یا «الی» متعدی شده «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»^۵ به معنای روکردن و تمایل یا دوست داشتن است.

۲. گرایش‌ها و مصادیق آن در قرآن کریم

تمایلات و گرایش‌های متنوع انسان، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد او است. گرایش‌های انسان از حیث «ظرف بروز و ظهور» و «ارتباط متعلق آن با روح یا جسم انسان» این قابلیت را دارد به ترتیب، دنیوی و اخروی یا به مادی و معنوی تقسیم شود؛ همچنین از حیث «گونه متعلق آن» نیز می‌تواند به اقسام مختلفی تقسیم شود، مانند گرایش به رفع تشنگی، گرسنگی، گرایش به تمیزی و بهداشت، گرایش به مقابله با بیماری، گرایش به حفظ نسل، که همگی از اقسام گرایش به بقاء هستند؛ چون این تقسیم‌ها ملاک‌های مختلفی دارند، پس کاملاً طبیعی است که امکان تداخل اقسام آنها با یکدیگر وجود داشته باشد. مانند این که یک گرایش، هم دنیوی باشد و هم معنوی، یا یک گرایش، هم اخروی باشد و هم مادی.

^۱ - حسن، عمید، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ش، ص ۱۸۸۰.

^۲ - محمد، معین، فرهنگ فارسی، تهران: نامن، ۱۳۸۶ش، ۱۶۶۲.

^۳ - حسن، مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه ش، ص ۱۶۷.

^۴ - سوره بقره (۲)، آیه ۱۳۰

^۵ - سوره شرح (۹۴)، آیه ۸.

الف- گرایش به بقا

یکی از مهمترین گرایش‌ها و دغدغه‌های بشریت در طول حیات، گرایش به بقا و جاودانگی است. گرایش به بقا از گرایش‌های اصلی انسانها و مورد تایید قرآن است؛ این گرایش دارای شاخه‌ها و مصادیقی است که به صورت مجزا با ذکر آیات مربوطه و با استفاده از تفاسیر بررسی می‌گردد.

بقاء دنیوی

انسان ویژگی‌های مثبت و منفی اخلاقی دارد. همه‌ی صفات انسانی اگر در حد اعتدال حفظ گردد، فضیلت به شمار می‌آید و زمانی که به سمت افراط و تفریط کشانده شود، مذموم و ناپسند می‌گردد. پس صفت حرص و طمع ذاتاً از رذایل اخلاقی به حساب نمی‌آید؛ بلکه این صفت، مانند بسیاری از صفات دیگر، در انسان قرار داده شده است تا انسان را به سوی تکامل و سعادت هدایت کند که اگر این صفت نبود، قطعاً آدمی قدرت رسیدن به تکامل را نداشت. لذا اگر همین صفت در نهاد انسان قرار داده نمی‌شد، او هرگز به سمت علم و معرفت و کسب تقوا و مقامات عالی انسانی گام برنمی‌داشت؛^۱ پس حرص به خودی خود بد نیست؛ بلکه زمانی بد می‌شود که انسان آن را در جهات منفی به کار گیرد؛ قرآن چه زیبا این مساله را مورد بررسی قرار می‌دهد و در سوره بقره قوم یهود را مورد عتاب قرار می‌دهد؛ چراکه آنان در زمان صدر اسلام سعی می‌کردند تازه مسلمانان را با این ادعا که تنها یهودیان جایگاهشان بهشت است و در جوار رحمت الهی از نعمتهای بهشت بهره‌مند می‌شوند و بقیه مردم از نعمتهای بهشتی بی بهره هستند را از دین اسلام دلسرد و ناامید کنند؛ اما خداوند می‌فرماید: *فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ*^۲؛ اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید زیرا اگر واقعاً خواهان رسیدن به رحمت و قرب الهی بودید و از مجازات و عذاب سرای آخرت نمی‌ترسیدید حتماً آرزوی مرگ می‌کردید در صورتی که به هیچ وجه شما آرزوی مرگ نمی‌کنید.^۳ پس قرآن این‌گونه از دروغ و تزویر یهودیان پرده‌برداری می‌کند و در آیه نود و شش از همین سوره صراحتاً حرص و طمع ایشان را برای زندگی طولانی مدت در دنیا و عمر دراز بیان می‌کند و می‌فرماید: *«وَلْتَجِدْنَهُمْ أُخْرِصَ النَّاسُ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ»* «آنها را حریصترین مردم حتی حریصتر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آنجا) که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند.»^۴ قوم یهود، حریص‌ترین مردمان نسبت به زندگی دنیا هستند و قرآن مجید با عبارت *«أَلْفَ سَنَةٍ»* این شدت

^۱ - محمدحسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲۰، چاپ ۲، بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۱۳.

^۲ - بقره (۲)، آیه ۹۴.

^۳ - لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا؛ بقره، آیه ۹۵.

^۴ - بقره (۲)، آیه ۹۶.

وحی «.. وَ أُمَدِّدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^۱» جمعیت و مردم یکی از عناصر اصلی قدرت و ثروت واقعی هر کشوری است^۲ خداوند در این آیه شریفه در مقام امتنان است؛ پس انسان گرایش به مورد امتنان، "بَنِينَ، أَكْثَرَ نَفِيرًا" دارد؛ همچنین خداوند در آیاتی نظیر « وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ^۳» جوانان را تشویق و ترغیب به ازدواج می‌فرماید. در این گونه آیات اگرچه صریح و شفاف درباره تولید و تکثیر نسل صحبت نشده است اما به دلالت التزامی از این آیات افزایش جمعیت و تولید نسل استفاده می‌گردد. اسلام با ترغیب، مدح و ستایش ازدواج، انسان‌ها را به فرزندآوری و افزایش جمعیت تشویق می‌نماید. همچنین باری تعالی در آیه هفتادودو سوره نحل « وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً^۴» مهم‌ترین هدف ازدواج را که حفظ و تداوم نسل است بیان می‌فرماید. براساس آموزه‌های دین مقدس اسلام، برخی افراد و سرمدمداران، افزایش جمعیت را تنها ابزاری برای تأمین منفعت مادی و افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی خود و جامعه می‌دانند در حالی که در اسلام علاوه بر آنچه بیان شد ارزش و اهمیت زیاد آن مورد توجه ویژه قرار گرفته و برای تشویق زنان به فرزندآوری اجر و پاداش غیر قابل وصف بیان می‌نماید؛ چنانکه در حدیث گهرباری از نبی گرامی اسلام [نقل شده که می‌فرماید: «هنگامی که زن باردار می‌شود، همانند روزه‌دار شب زنده‌دار و مجاهد در راه خدا با جان و مال است و هنگامی که وضع حمل نمود، آنقدر اجر و پاداش دارد که قابل توصیف نیست و اگر در این مدت از دنیا رود، همانند شهید است و زمانی که به نوزدش شیر می‌دهد، با هر مکیدن شیر به او اجر آزاد کردن یک اسیر از نسل حضرت اسماعیل را می‌دهند و تمام گناهانش آمرزیده می‌شود.»^۵ علامه طباطبایی: نیز در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه «.....فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ...»^۶ یکی از مهم‌ترین اهداف شریعت اسلام را افزایش نسل مسلمانان برای از بین بردن بنیان شرک و فساد می‌داند و در این زمینه می‌فرماید: «در جنبه دیگر از مقاصد مهم شارع اسلام، افزایش نسل مسلمانان است و آباد کردن زمین به دست گروه مسلمانان تا شرک و فساد را از بین ببرند^۷». بنابراین با وجود مطلوبیت ازدیاد نسل و گرایش به فرزندآوری برای همه موجودات زنده بویژه انسان که از عبارات "بَنِينَ، أَكْثَرَ نَفِيرًا" و... در کلام سراسر نور وحی، فهمیده می‌شود؛ این تمایل و گرایش به ازدیاد نسل، اگر باعث شود که انسان به خدا نزدیک شود

^۱ - أسراء (۱۷)، آیه ۶.

^۲ - جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت، ۱۳۹۴ه.ش، ص ۷۱.

^۳ - نور (۲۴)، آیه ۳۲

^۴ - محمد بن علی، ابن بابویه، الأموال (للسدوق)، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۱۲.

^۵ - نساء (۴)، آیه ۳.

^۶ - محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۸۱.

برای او مایه روشنی چشم و باقیات الصالحات است و در غیر این صورت، انسان غافل با داشتن نعمت اولاد دچار کبر و غرور شده و آن را کمال دانسته و خویشتن را بی نیاز از مالک و خالق حقیقی می پندارد.

۲. کمال طلبی اخروی

خداوند انسان را به گونه ای آفرید که مدام در تکاپو و حرکت برای رسیدن به کمال باشد و کمال آدمی چیزی جز "لِقَاءَ...^۱" و ملاقات با پروردگار هستی نیست. اما این دیدار برای همه یکسان نیست بلکه مومنان با زیبایی و رحمت الهی روبرو می شوند و کافران با قهر و خشم و غضب با خداوند سبحان دیدار می نمایند؛ بنابراین کمال جویی و سیر الی الله که جزیی از طبیعت آدمی است تنها با عبادت و عمل به دستورات خداوند و ترک نواهی او به دست می آید. چراکه این دنیای زودگذر برای انسان دار عمل و آخرت، سرای باقی و دار مکافات است. حال باید به این پرسش پاسخ داد که آیا در قیامت هم انسان گرایش به کمال جویی دارد یا خیر؟ با توجه به آیات قرآن کریم انسان در عالم قیامت وبرزخ بر خلاف دنیا تنها می تواند از نظر علمی به کمال برسد و دیگر فرصتی برای انجام عمل و رسیدن به کمال عملی ندارد. لذا آدمی بعد از مرگ در سرای باقی مجالی برای انجام عمل و استحقاق پاداش و جزا ندارد. در این رابطه علامه جوادی آملی می فرماید: «نظام آخرت در برخی از احکام، غیر از نظام دنیاست؛ مانند آنکه در آن نشئه، مجال تکامل عملی نخواهد بود.»^۲ با این تفاسیر انسان همانطور که در دنیا به دنبال رسیدن به حقیقت است بعد از مرگ نیز به دنبال حقیقت جویی و آگاهی از حقایق به نحو شهودی، به منظور رسیدن به کمال علمی است.

یک. حقیقت جویی

حقیقت طلبی انسان در آخرت بدین گونه در آیات کلام الله مجید آمده است: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ.»^۳ «آنان در باغهای بهشت متنعمند و سؤال می کنند از احوال دوزخیان گنهکار. چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟» آیات فوق گوشه ای از شرح احوال بهشتیان و دوزخیان را مطرح می نماید. به این صورت که مجموع افرادی که در بهشت مستقر هستند از همه ی جهنمیان سؤال می کنند که چرا شما به چنین سرنوشتی دچار شدید؟^۴ مگر نه این است که ما با شما همسایه، همنشین و بالاخره همراه و آشنا بودیم و شما را می شناختیم اما در حال حاضر سرنوشتی غیر از سرنوشت شما و جایگاهی مقابل جایگاه

۱ - عنکبوت (۲۹)، آیه ۵.

۲ - عبدا...، جوادی آملی و دیگران، تفسیر تسنیم، ج ۸، تهران: اسراء، ۱۳۹۰، ص ۳۹۶.

۳ - مدثر (۷۴)، ۴۰-۴۱.

۴ - محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۹۷.

شما نصیب ما شده است. جهنمیان این سؤال را بی پاسخ نگذاشته بلکه به نحو تفصیلی علت این احوالشان را برای اصحاب یمین شرح می‌دهند با بررسی آراء برخی از مفسران این نتیجه بدست می‌آید که سوال از سوی بهشتیان به نحو استفهام حقیقی و برای روشن شدن واقعیت و کسب اطلاعات است؛ در غیر این صورت باید قرینه‌ای بر مجاز بودن سؤال نظیر استفهام انکاری یا توییخی مطرح می‌شد در صورتی که در اکثریت قریب به اتفاق تفاسیر به چنین چیزی اشاره نشده است. البته شایان ذکر است که برخی از مفسران نظیر ابن عاشور احتمال توییخی بودن سؤال رو به عنوان احتمال دوم و نه احتمال اول، مطرح می‌کند^۱ پس می‌توان گفت: اولاً این احتمال ثانوی خود قرینه‌ای قوی بر احتمال حقیقی بودن استفهام، است. ثانیاً در آخرت، توبیخ مجرمین توسط اهل بهشت، خیلی موجه نیست؛ چون اهل بهشت بر جهنمیان سلطه و سیطره‌ای ندارند که بخواهند ایشان را توبیخ کنند چراکه توبیخ در دنیا به دلیل احتمال اصلاح توبیخ‌شونده می‌تواند فایده داشته باشد، لیکن در آخرت چنین احتمالی به دلیل اتمام زمان اصلاح و عمل به تکلیف، منتفی است. ثالثاً مفسران بسیاری اصلاً توییخی و استفهامی بودن این سؤال را مطرح نکرده‌اند. لذا این سکوت، حاکی از این هست که ایشان استفهام را حقیقی تلقی کرده‌اند؛ پس به نظر می‌رسد در این آیات باید به اصل اولی در «سؤال کردن» استناد شود چراکه سؤال، در صورتی که قرینه‌ای مبنی بر خلاف آن نباشد فی نفسه برای پی بردن به حقیقت و ظهور و روشن شدن واقعیت از طریق جواب است.

نتیجه گیری

خداوند نوع بشر را به منظور رسیدن به کمال حقیقی آفریده است؛ به همین جهت انسان در طول دوران زندگی مادی خود همواره در حال سعی و تلاش و حرکت است؛ این حرکت و تکاپو خواه از نوع مادی و معنوی باشد، خواه دنیوی و اخروی یا فردی و اجتماعی همه از آثار و جلوه‌های گرایش‌های متنوع و پیچیده آدمی است. گرایش‌ها و تمایلات انسانها متنوع و گسترده و البته در تزامن با یکدیگر هستند. خداوند متعال که خالق و آفریننده آدمی است این گرایش‌ها و نزاحات آنها را به انحاء مختلف در قرآن کریم بیان می‌فرماید. تمایلاتی نظیر میل به بقا و جاودانگی در دنیا، که با برخورداری از نیازهای اولیه مانند خوردن و آشامیدن، مسکن، دارو درمان و امنیت محقق می‌شود و گرایش به بقاء در آخرت، که با بهره‌مندی همیشگی از نعمتهای بهشتی نظیر طعام‌ها و نوشیدنی‌ها و داشتن مسکن خوب در آیات، توصیف و بیان شده است. همچنین انسان، گرایش به کمال در دنیا و آخرت دارد؛ چراکه هر انسانی از نقص و

^۱ - محمدطاهر، ابن عاشور، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۲۹، ص ۳۰۴.

نیستی گریزان است. کمال طلبی در دنیا همراه با علم و عمل صورت می پذیرد در صورتی که این کمال طلبی در آخرت تنها به علم ختم می شود و دیگر جایی برای عمل نیست.

منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

- ۱) ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- ۲) ابن دریدالأزدی، ابوبکر محمد بن الحسن، جمهره اللغة، ج ۲، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷-۱۹۸۸ م.
- ۳) ابن فارس بن زکریا احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ۵، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۴) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، محقق و مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- ۵) ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ج ۲۹، ۲۱، ۱۷، چاپ ۱، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۶) ابوالفتوح رازی، حسین ابن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، چاپ: ۱، مشهد مقدس: بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۷) انوری، حسن فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، تهران: سخن، ۱۳۸۱ ش.
- ۸) بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع، ج ۴، چاپ ۶، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۹) جوادی آملی و دیگران، عبدا...، تفسیر تسنیم، ج ۸، تهران: اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۰) حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ۲۵، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (سلام الله علیهم اجمعین) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۱) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۴، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار الشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۱۳) روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: سمت، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۱۴) سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ: ۲، ۱۴۰۸ ه.ق.

- ۱۵) صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج ۴، چاپ دوم، بی جا: مکتب المصطفوی، ۱۳۶۸ ه. ش.
- ۱۶) طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ۱۹، ۱۱، چاپ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه. ش.
- ۱۷) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ۶، ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۸) عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۹) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۵، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۰) قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ سوّم، تهران: دارالکتب اسلامیّه، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۲۱) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۲) مصباح یزدی، محمد تقی، انسان سازی در قرآن، تنظیم و تدوین، محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۳) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۱، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه. ش.
- ۲۴) مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا، ۱۳۶۷ ه. ش.
- ۲۵) معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نامن، ۱۳۸۶ ش، ۱۶۶۲.
- ۲۶) مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، ج ۶، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ ه. ق.
- ۲۷) مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، تهران: دار الکتب الإسلامیّه، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش، ص ۵۱۴.
- ۲۸) موسوی سبزواری، عبدالأعلى، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، بی جا: بی جا، ۱۴۰۹ ه. ق.